

شناسایی عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی: یک پژوهش

کیفی

هانیه اسکندری^۱، یحیی داداش کریمی^{۲*}، عبدالله حجتی^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

چکیده


هدف: هدف این پژوهش شناسایی عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی بود.


روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا کیفی بود. جامعه پژوهش خبرگان حکمرانی رفاه عمومی کل کشور در سال ۱۳۹۹ بودند که طبق اصل اشباع نظری تعداد ۱۵ نفر از آنها با روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (۷ سوال) جمع‌آوری و با روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی در نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۱۰ تحلیل شدند.


یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی دارای ۱۹۷ کد باز در ۱۹ کد محوری و ۷ کد انتخابی بود. کدهای انتخابی شامل مشارکت (با سه کد محوری مشارکت در ارائه خدمات، مشارکت نهادهای مردمی و تشکل‌ها در حکمرانی و مشارکت در سیاست‌گذاری)، پاسخگویی (با دو کد محوری پاسخگویی به نهادهای و نظارت)، کارایی و اثربخشی (با سه کد محوری ارائه طرح‌های اشتغال‌زا، بازدهی بیشتر خدمات و ثبات در اقتصاد)، تصویب و حاکمیت قانون (با چهار کد محوری اتخاذ سیاست‌های صحیح، احترام دولت و مردم به قانون، حفظ امنیت و ثبات در جامعه)، مسئولیت‌پذیری (با سه کد محوری مسئولیت‌پذیری مدیران، نظارت مردم و ایجاد جو مسئولیت‌پذیری فرهنگی)، شفافیت (با دو کد محوری مبارزه با فساد و آزادی رسانه‌ها) و عدالت (با دو کد محوری ارائه خدمات برابر و اثربخش و مقابله با تبعیض‌های اجتماعی) بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: طبق نتایج این پژوهش برای حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی می‌توان کدهای شناسایی شده برای آن را از طریق بهبود شرایط و کارگاه‌های آموزشی ارتقاء بخشید.

واژگان کلیدی: حکمرانی، رفاه عمومی، توسعه عدالت اجتماعی

^۱ دانشجوی دکتری گروه مدیریت دولتی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. 

^۲ استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران، (نویسنده مسئول). 

^۳ استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران، 

مقدمه

امروزه از شاخص تولید ناخالص داخلی به‌طور گسترده‌ای برای ارزیابی رشد و رفاه کشورها استفاده می‌شود، با این حال بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تولید ناخالص داخلی را شاخص مناسبی برای برآورد رفاه کشورها نمی‌دانند و بر وجود متغیرهایی مانند سلامت، امنیت، کیفیت زندگی، سرمایه اجتماعی و آموزش در رفاه عمومی تأکید می‌کنند (Karimpour, Abedini & Azizkhani, 2021). تقسیم‌بندی کشورها و جوامع به دو گروه توسعه‌یافته و در حال توسعه قبل از هر چیز بر عملکرد اقتصادی و نرخ رشد اقتصادی بلندمدت و وضعیت رفاه عمومی آنان بستگی دارد و به همین دلایل دستیابی به نرخ رشد اقتصادی و رفاه عمومی بالا معمولاً هدف اولیه کلیه نظام‌های اجتماعی و نقطه مطلوب همه تلاش‌هایی است که برای تنظیم امور اقتصادی جوامع مورد توجه قرار می‌گیرد (Briec, Dumas & Mekki, 2021).

رفاه از جمله مفاهیم مهم اجتماعی است که هدف بسیاری از برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد و با اینکه مفهوم مذکور در علوم اجتماعی قدمت زیادی ندارد، اما به موازات مباحث رشد صنعتی و شکل‌گیری دولت رفاه از اواسط قرن بیستم به‌تدریج گسترش یافت و بسیاری از جنبه‌های زندگی را دربرگرفت. دولت رفاه ضمن توجه به همه سازمان‌ها به دنبال تأمین خدمات همگانی و وجود سیاست‌های سنجیده و هوشمندانه در زمینه تأمین حداقل استانداردهای زندگی برای همه و ارتقای فرصت‌های برابر برای زندگی است (Celik, 2019). رفاه عمومی مقوله‌ای یکپارچه و منسجم است که از تلاقی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در زندگی عینیت پیدا می‌کند (Atalla, Gasim & Hunt, 2018). رفاه عمومی باعث ایجاد آرامش خاطر و عزت‌نفس فرد و جامعه، بالا رفتن ضریب بهره‌وری، فراهم کردن زمینه مناسب برای تحقق رشد و توسعه پایدار، تحقق عدالت اجتماعی و کسب جایگاه بهتر در جامعه جهانی برای کشورها می‌شود و تأمین رفاه عمومی از گذشته یکی از ارکان امنیت ملی کشورها محسوب می‌شده و میزان موفقیت دولت‌ها برای دستیابی به آن به‌عنوان یکی از مولفه‌های قدرت آنها تلقی می‌شود (Wang & Wang, 2021). رفاه عمومی تحقق اهداف جمعی و برآوردن خواسته‌ها، نیازها و مطالباتی است که از سوی اکثریت افراد جامعه مطرح می‌شود و بر اساس آن برنامه‌ها، قوانین، مقررات و سازمان‌ها در دستیابی به شرایط مناسب زندگی اجتماعی در جهت تعالی مادی و معنوی برای تحقق رفاه عمومی فعالیت می‌نمایند. بر این اساس رفاه عمومی فقط ارتقای وضعیت مادی نیست، بلکه دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیستی نیز می‌باشد (Bracaglia, D'Alfons, Nastasi, Sheng, Wan & Zhang, 2020).

عدم موفقیت برخی حکومت‌ها در انجام وظایف حکومتی خود سبب ایجاد اندیشه حکمرانی خوب شد که به دنبال کاهش میزان اختلال‌های سیاسی و افزایش سیاست‌های مطلوب در راستای بهبود فضای کسب‌وکار و ارتقای رشد اقتصادی می‌باشد (Klimach, Dawidowicz & Zrobek, 2018). حکمرانی روش بکارگیری توانایی و قدرت مردم به معنای سیاست‌سازی و عمل به سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های عمومی است. به عبارت دیگر، حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند (Bridges, Plancher & Toledo, 2019). حکمرانی همان اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور کشور در کلیه سطوح است و حکمرانی خوب شامل مکانیسم‌ها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال و حقوق قانونی خود را اجرا نمایند و تعهدهای خود را برآورده سازند (Maiti & Mukherjee, 2013). حکمرانی خوب دارای ویژگی‌هایی مانند وجود و تقویت ساختارهای دموکراتیک در جامعه، شفافیت، پاسخگویی، هوشمندی و توسعه مشارکت‌جویانه، توجه و واکنش به درخواست‌های سایر شهروندان، ایجاد خط و مشی‌های مناسب اقتصادی برای تسهیل توسعه و احترام به قانون و حاکمیت قانون می‌باشد (Yousaf, Ihsan & Ellahi, 2016).

حکمرانی خوب از دو ایدئولوژی سیاسی عمده شامل ایدئولوژی‌های نئولیبرالیسم و سوسیال دموکراسی نشأت گرفته است که ایدئولوژی اول بر حداقل دخالت دولت و حداکثر دخالت سازمان تأکید و ایدئولوژی دوم به دنبال شناخت و بهره‌گیری از کارایی بازار در شرایطی است که بر استانداردهای عدالت اجتماعی و بهبود اقتصاد در بلندمدت استوار است و به ایجاد زیرساخت‌های سیاسی و نهادی و توانمندی‌های اجتماعی توجه دارد (Mollick, Rahman, Islam Khan & Sadath, 2018). حکمرانی خوب دارای شاخص‌ها مهم و متعددی است که شش شاخص اصلی آن شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی، کارآمدی و

اثر بخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون یا قانون‌مداری، ثبات سیاسی و عدم خشونت و کنترل فساد می‌باشد (Kum, Stewart, Rose & Duncan, 2015). تأمین رفاه عمومی در سیاست‌های اجتماعی یکی از اهداف مهم نظام‌های سیاسی و حکومتی است که برگرفته از تحولات مدرن جامعه بشری می‌باشد و در قالب مفاهیمی مانند عدل، کمک به نیازمندان، محرومان و مستمندان، تأمین امنیت و آزادی معنا پیدا می‌کند (Mosavi Dijijun & Zahedivafa, 2018). تقریباً از زمان جنگ جهانی دوم به بعد و به‌خصوص از دهه ۱۹۶۰ اصطلاح توسعه به‌عنوان موضوع اصلی برای کشورهای غیرغربی مطرح شد و اندیشمندان مختلف علوم اجتماعی در این موضوع به نظریه‌پردازی و اندیشه‌ورزی پرداختند و هر یک مسیرها و الگوهای متفاوتی ترسیم نمودند الگوی حکمرانی خوب که یکی از رویکردهای نوین در تحقق توسعه بود (Emam Jomeezade, Shahrannia & Safariyan Garmekhane, 2016). توسعه عاملی برای حل مشکل‌های اجتماعی و چالش‌های پیش‌رو قلمداد می‌شود و منظور از مشکل‌ها و چالش‌ها در زمینه توسعه همان فاصله یا تضادی است که بین انگیزه ذاتی و مصالح عمومی مردم و جامعه وجود دارد (Fry & Hilburn, 2020). عدالت اجتماعی به معنای حفظ منافع گروه‌های مختلف اجتماعی به‌طور عام و گروه‌های هدف به‌طور خاص از طریق توزیع بهینه منابع، درآمدها و هزینه‌ها است (Mortenson, 2022). توسعه عدالت اجتماعی به دنبال شناسایی وضعیتی است که منجر به ایجاد محرومیت، حاشیه‌نشینی و یا رنج و عذاب بخشی از جامعه شده یا شناسایی فرصت‌ها در شرایط نابرابر، توسعه ارزش‌های اجتماعی مورد انتظار، تحمل ابهام، خلاقیت، عمل‌گرایی، تشویق دیگران برای مشارکت در امور عام‌المنفعه و داشتن شهامت برای مواجهه و استیلا مقابل نابرابری موجود و یا ایجاد وضعیت متعادل جدید که بتواند محرومیت گروه‌های هدف را مرتفع نموده، موانع موجود را برطرف ساخته یا کم کند و از طریق ایجاد یک اکوسیستم یکپارچه، موجب تداوم وضعیت جدید شده، آینده بهتری را برای گروه‌های هدف و حتی برای تمام جامعه تضمین نماید و عدالت اجتماعی را رقم بزند (Vaghar Mosavi, Ghods Alavi & Abbasi, 2016).

پژوهش‌های درباره حکمرانی، حکمرانی خوب و حکمرانی رفاه عمومی انجام شده، اما پژوهشی به بررسی حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی نپرداخته است. برای مثال نتایج پژوهش Karimpour et al (2021) نشان داد که کیفیت حکمرانی خوب نقش موثری در ارتقای رفاه عمومی کشورهای عضو سازمان‌های همکاری اسلامی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه داشت. در پژوهشی دیگر (Sephehrnia, Alborzi, Kermanshah, Azar & Sephehrnia, 2019) گزارش کردند که عوامل موثر در الگوی خلاقانه شفافیت حکمرانی خوب برای سازمان‌های سیاستگذار شامل ۲ مولفه ارزش عینی و ارزش ذهنی بودند که ارزش عینی شامل داده صحیح، داده به‌هنگام و داده اثبات‌پذیر و ارزش ذهنی شامل ویژگی‌های ذهنی، اهداف اجتماعی و عوامل موقعیتی بود. Mosavi Dijijun & Zahedivafa (2018) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی رفاه عمومی شامل رفع توأمان نیازهای مادی و معنوی عموم، تکافل اجتماعی و استفاده از ظرفیت‌های مردمی و پرهیز از دخالت‌های غیرضرور دولت، توسعه رفاه عمومی با اجرای برنامه مالی اسلام و تکیه بر ظرفیت‌های درونی نظام بودند. Araei, Ghasemi & Moeinifar (2018) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که چهار عامل پاسخگویی نامناسب، عدم حاکمیت قانون، عدم شفافیت و مشارکت ضعیف به‌ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین موانع تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در اداره امور عمومی شناسایی شدند. در پژوهشی دیگر (Yeganegi, Alvani & Memarzadeh Helliwell, 2018) گزارش کردند که شاخص‌های حکمرانی خوب در سازمان‌های کارا به‌ترتیب شامل پاسخگویی، قانون‌گرایی، ارزش‌گرایی، عدالت‌گرایی، توسعه‌گرایی و تعالی‌پایدار و مشارکت‌جویی و شراکت‌گرایی بودند. Huang, Grover & Wang (2018) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که حکمرانی خوب شهری با مولفه‌های پاسخگویی، شفافیت در کارها و قانون‌مداری نقش موثری در افزایش رفاه ساکنان و شهروندان داشت. در پژوهشی دیگر (McGregor, Te Lintelo, Gupte, Lakshman & Jahan, 2017) گزارش کردند که کیفیت ارائه خدمات حکومت نقش مهمی در حمایت از زندگی بهتر مردم و رفاه عمومی یا اجتماعی داشت.

تأمین رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی یکی از اهداف مهم نظام‌های حکومتی است که با بازتعریف آن در مبانی ریشه‌ای و همچنین تبیین رویکردها، سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی اهمیت جایگاه و کارکرد این موضوع در ابعاد مختلف مادی

و معنوی در راستای تعالی و امنیت‌بخشی روشن‌تر می‌گردد. همچنین، بررسی پیشینه پژوهشی نشان داد که پژوهش‌های درباره حکمرانی خوب و رفاه عمومی انجام شده، اما پژوهشی به بررسی حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی نپرداخته و یکی از خلأهای موجود عدم یافتن پژوهشی درباره عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی بود. نکته مهم دیگر اینکه نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به متخصصان، برنامه‌ریزان و مسئولان در طراحی برنامه‌هایی جهت بهبود حکمرانی رفاه عمومی کمک نماید و برای پژوهشگران نیز الگویی جهت انجام پژوهش‌های بیشتر درباره حکمرانی رفاه عمومی با رویکردهای مختلف باشد. در نتیجه، هدف این پژوهش شناسایی عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی بود.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا کیفی بود. جامعه پژوهش خبرگان حکمرانی رفاه عمومی کل کشور در سال ۱۳۹۹ بودند که طبق اصل اشباع نظری تعداد ۱۵ نفر از آنها با روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ملاک‌های انتخاب نمونه‌ها شامل حداقل ۱۰ سال سابقه کاری، داشتن تخصص و تبحر در زمینه حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی، تمایل جهت شرکت در پژوهش، داشتن کتاب، مقاله یا طرح پژوهشی در زمینه موضوع پژوهش و موافقت با ضبط مصاحبه‌ها بودند. ملاک‌های ورود به مطالعه بیان شدند، اما ملاک‌های خروج از مطالعه شامل اعلام انصراف از شرکت در مصاحبه و عدم حضور در مکان و زمان تعیین‌شده جهت انجام مصاحبه بودند.

جهت انجام پژوهش حاضر ابتدا لیست خبرگان مرتبط با حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی تهیه و با آنها جهت شیوه انجام مصاحبه (حضور یا تلفنی) و در صورت تلفنی‌بودن درباره زمان مصاحبه و در صورت حضوری‌بودن درباره زمان و مکان مصاحبه هماهنگی لازم به عمل آمد. در زمان تعیین‌شده پژوهشگر با مصاحبه‌شوندگان بخش مصاحبه تلفنی تماس تلفنی برقرار کرد و علاوه بر آن در زمان و مکان تعیین‌شده پژوهشگر و مصاحبه‌شوندگان بخش مصاحبه حضوری حاضر شدند و مصاحبه‌ها شروع و در پایان مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان بابت شرکت در پژوهش تشکر شد و به آنان هدیه‌ای به‌عنوان یادبود اهداء شد. برای گردآوری پیشینه از روش میدانی و برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه پژوهش حاضر دارای ۷ سوال اصلی بود (جدول ۱).

جدول ۱. سوال‌های مصاحبه برای شناسایی عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی

ردیف	سوال‌ها
۱	به نظر شما ابعاد الگوی حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی در نهادهای مجری رفاه عمومی و عدالت اجتماعی مانند وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کدامند؟
۲	از نظر شما مولفه‌های تبیین‌کننده ابعاد مذکور در سوال اول کدامند؟
۳	از نظر شما درجه اهمیت ابعاد حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی چگونه است؟
۴	به نظر شما پیشایندهای حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی کدامند؟
۵	به نظر شما پسایندهای حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی کدامند؟
۶	مهم‌ترین ویژگی که زمینه مطلوب را برای حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی فراهم می‌آورد، کدامند؟
۷	راهبرد اصلی (کنش و واکنش) حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کدامند؟

مصاحبه‌ها به‌صورت انفرادی و یک به یک با هر کدام از مصاحبه‌شوندگان انجام و در حین مصاحبه‌ها، پژوهشگر نکات مهم مصاحبه‌ها را یادداشت و علاوه بر آن، همه مصاحبه‌ها را جهت بررسی مجدد ضبط کرد. مصاحبه‌های ضبط‌شده در فرصتی مناسب مجدد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند و نکات فراموش‌شده و ثبت‌نشده در یادداشت‌ها به یادداشت‌ها اضافه شدند. روایی مصاحبه‌ها با روش مثلث‌سازی مناسب ارزیابی شد. روش‌های مثلث‌سازی شامل مثلث‌سازی منابع داده‌ها (استفاده از منابع متعدد داده‌ها در مطالعه یا پژوهش)، مثلث‌سازی محقق (استفاده بیش از یک پژوهشگر برای جمع‌آوری، تجزیه، تحلیل و تفسیر داده‌ها) و مثلث‌سازی نظریه‌ای یا تئوری (استفاده از دیدگاه‌های متعدد برای تفسیر داده‌ها) است. روایی مثلث‌سازی در این مطالعه به این صورت بود که سوال‌های مصاحبه با دو فرد خبره بررسی و در عین حال از مطالعه تئوری‌ها، منابع اطلاعاتی و مستندات

نیز استفاده شد. پایایی مصاحبه‌ها با روش ضریب کاپای کوهن $0/86$ محاسبه شد که در سطح کوچک‌تر از $0/001$ معنادار بود. چون ضریب $0/40$ تا $0/60$ میزان توافق متوسط، $0/60$ تا $0/80$ میزان توافق قابل ملاحظه و بالاتر از $0/80$ میزان توافق عالی را نشان می‌دهد. داده‌ها پس از جمع‌آوری با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته طبق توضیحات بالا با روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی در نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۱۰ تحلیل شدند و الگوی آن ترسیم شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر مصاحبه با ۱۵ نفر به اشباع نظری رسید و بررسی اطلاعات جمعیت‌شناختی آنها نشان داد که اکثر آنها مرد ($73/33\%$)، متأهل ($86/67\%$) و دارای تحصیلات دکتری تخصصی ($66/67\%$) و سابقه کاری ۲۰-۱۵ سال ($53/33\%$) بودند (جدول ۲).

جدول ۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان برای شناسایی عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی

متغیر	سطوح یا ابعاد	فراوانی	درصد
وضعیت جنسیت	زن	۴	۲۶/۶۷٪
	مرد	۱۱	۷۳/۳۳٪
وضعیت تأهل	متاهل	۱۳	۸۶/۶۷٪
	مجرد	۲	۱۳/۳۳٪
وضعیت تحصیلات	فوق لیسانس	۵	۳۳/۳۳٪
	دکتری تخصصی	۱۰	۶۶/۶۷٪
وضعیت سابقه کاری	۱۱-۱۵ سال	۳	۲۰٪
	۱۶-۲۰ سال	۸	۵۳/۳۳٪
	بالاتر از ۲۰ سال	۴	۲۶/۶۷٪

بررسی عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی دارای ۱۹۷ کد باز در ۱۹ کد محوری و ۷ کد انتخابی بود. کدهای انتخابی شامل مشارکت (با سه کد محوری مشارکت در ارائه خدمات، مشارکت نهادهای مردمی و تشکل‌ها در حکمرانی و مشارکت در سیاست‌گذاری)، پاسخگویی (با دو کد محوری پاسخگویی به نهادها و نظارت)، کارایی و اثربخشی (با سه کد محوری ارائه طرح‌های اشتغال‌زا، بازدهی بیشتر خدمات و ثبات در اقتصاد)، تصویب و حاکمیت قانون (با چهار کد محوری اتخاذ سیاست‌های صحیح، احترام دولت و مردم به قانون، حفظ امنیت و ثبات در جامعه)، مسئولیت‌پذیری (با سه کد محوری مسئولیت‌پذیری مدیران، نظارت مردم و ایجاد جو مسئولیت‌پذیری فرهنگی)، شفافیت (با دو کد محوری مبارزه با فساد و آزادی رسانه‌ها) و عدالت (با دو کد محوری ارائه خدمات برابر و اثربخش و مقابله با تبعیض‌های اجتماعی) بودند (جدول ۳).

جدول ۳. کدهای شناسایی شده برای عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی

کد انتخابی	کد محوری	تعداد کد باز
مشارکت	مشارکت در ارائه خدمات	۱۲
	مشارکت نهادهای مردمی و تشکل‌ها در حکمرانی	۱۵
	مشارکت در سیاست‌گذاری	۷
پاسخگویی	پاسخگویی به نهادها	۱۱
	نظارت	۱۳
کارایی و اثربخشی	ارائه طرح‌های اشتغال‌زا	۱۴
	بازدهی بیشتر خدمات	۹
	ثبات در اقتصاد	۸
تصویب و حاکمیت قانون	اتخاذ سیاست‌های صحیح	۱۵
	احترام دولت و مردم به قانون	۱۲
	حفظ امنیت	۶
	ثبات در جامعه	۱۷
مسئولیت‌پذیری	مسئولیت‌پذیری مدیران	۴

۱۰	نظارت مردم	
۹	ایجاد جو مسئولیت‌پذیری فرهنگی	
۸	مبارزه با فساد	شفافیت
۶	آزادی رسانه‌ها	
۱۳	ارائه خدمات برابر و اثربخش	عدالت
۸	مقابله با تبعیض‌های اجتماعی	

با توجه به کدهای شناسایی شده برای عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی الگوی آن ترسیم شد (شکل ۱).



شکل ۱. الگوی عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی حکمرانی رفاه عمومی با توجه به رویکردهای مختلف می‌تواند به متخصصان و برنامه‌ریزان در طراحی برنامه‌هایی جهت بهبود وضعیت رفاه عمومی کمک شایانی کند. در نتیجه، هدف این پژوهش شناسایی عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی بود. یافته‌های این پژوهش حاکی از وجود ۱۹۷ کد باز در ۱۹ کد محوری و ۷ کد انتخابی بود؛ به طوری که کدهای انتخابی شامل مشارکت (با سه کد محوری مشارکت در ارائه خدمات، مشارکت نهادهای مردمی و تشکل‌ها در حکمرانی و مشارکت در سیاست‌گذاری)، پاسخگویی (با دو کد محوری پاسخگویی به نهادها و نظارت)، کارایی و اثربخشی (با سه کد محوری ارائه طرح‌های اشتغال‌زا، بازدهی بیشتر خدمات و ثبات در اقتصاد)، تصویب و حاکمیت قانون (با چهار کد محوری اتخاذ سیاست‌های صحیح،

احترام دولت و مردم به قانون، حفظ امنیت و ثبات در جامعه، مسئولیت‌پذیری (با سه کد محوری مسئولیت‌پذیری مدیران، نظارت مردم و ایجاد جو مسئولیت‌پذیری فرهنگی)، شفافیت (با دو کد محوری مبارزه با فساد و آزادی رسانه‌ها) و عدالت (با دو کد محوری ارائه خدمات برابر و اثربخش و مقابله با تبعیض‌های اجتماعی) بودند. در این زمینه پژوهش‌های اندکی انجام شده و یافته‌های آن با یافته‌های پژوهش‌های (2018) Mosavi Dijijun & Zahedivafa، (2019) Sepehrinia et al، (2021) Karimpour et al، (2018) Araei et al، (2018) Yeganegi et al، (2018) Helliwell et al و (2017) McGregor et al در یک راستا قرار داشتند.

مشارکت با سه زیرمقوله مشارکت در ارائه خدمات، مشارکت نهادهای مردمی و تشکل‌ها در حکمرانی و مشارکت در سیاست‌گذاری به تنظیم روابط خارجی با رویکرد حفظ منافع ملی و ایفای نقش فعال و موثر در منطقه و جهان و تنظیم رابطه دولت و مردم مبتنی بر مشارکت‌جویی، شراکت‌جویی، اعتماد متقابل و نمایندگی اشاره دارد و شاخص‌هایی مانند تعامل‌گرایی منطقه‌ای و جهانی، خدمت‌گزاری، شهروندمداری، توانمندسازی، توزیع قدرت، نمایندگی مردم و ندای مردم در زمینه مشارکت مطرح می‌باشند. افراد تمایل دارند که به صورت ارادی رفتار نمایند و حق تعیین سرنوشت برای همه افراد فارغ از رفاه مادی حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، رفاه و کیفیت زندگی افراد به این بستگی دارد که آنها قادر به انتخاب و پیگیری اهداف خود باشند یا اینکه دارای فرصت پیگیری اهداف خود را داشته باشند، آزادانه نظرات خود را بیان نمایند و در فعالیت‌های مختلف مشارکت نمایند. این مشارکت عاملی برای رهبری و همچنین مشروعیت بخشیدن به سازمان‌ها و نهادها، رضایت بیشتر افراد و بهبود کیفیت زندگی می‌باشد.

پاسخگویی با دو زیرمقوله پاسخگویی به نهادها و نظارت به معنای حساب پس‌دادن و پاسخگو بودن مسئولان است که برای افزایش و ارتقای آن می‌توان اقداماتی مانند وجود نشریه‌ها و رسانه‌های گروهی مستقل و آزاد، نهادینه‌سازی احزاب سیاسی، توسعه نهادهای مدنی و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد را انجام داد. پاسخگویی به حدودی که حکومت به انتظارهای مردم توجه می‌کند و برای برآورده‌سازی آنها تلاش می‌نماید، اطلاع‌رسانی برای شفافیت عملکرد دولت و آزادی بیان برای اجتماع‌ها و رسانه‌های مختلف اشاره دارد و شاخص‌هایی مانند تأمین آزادی، توجه، شفافیت، حس اعتماد و واکنش در زمینه پاسخگویی مطرح می‌باشند.

کارایی و اثربخشی با سه زیرمقوله ارائه طرح‌های اشتغال‌زا، بازدهی بیشتر خدمات و ثبات در اقتصاد به این معنا است که فعالیت‌های دولت نتیجه‌هایی را به بار می‌آورد که نیازهای جامعه را برآورده سازد و دولت از منابع محدود تحت اختیار خود بیشترین استفاده را ببرد. کارایی و اثربخشی دولت می‌تواند به کاهش هزینه‌های اداره امور عمومی و کیفیت بالاتر خدمات دولتی، بهبود کسب‌وکار و آزادی اقتصادی و در نتیجه رفاه بیشتر بینجامد. در حقیقت، عملکرد نامناسب دولت‌ها زمینه سلب اعتماد شهروندان و در نتیجه افزایش دغدغه‌های ذهنی آنان را فراهم می‌آورد. در کارایی و اثربخشی شاخص‌هایی مانند کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی، کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی مطرح می‌باشند.

تصویب و حاکمیت قانون با چهار زیرمقوله اتخاذ سیاست‌های صحیح، احترام دولت و مردم به قانون، حفظ امنیت و ثبات در جامعه معرف حقوق مالکیت و استقلال قضایی و کنترل و نشان‌دهنده میزان احترام شهروندان و دولت‌مردان یک کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلاف‌ها پدید آمدند. بنابراین، زمانی در جامعه‌ای می‌توان به تصویب و حاکمیت قانون رسید که سه شرط زیر تحقق گردد. اول حمایت از افراد در برابر دزدی، خشونت و دیگر اقدام‌های غارت‌گری، دوم حمایت در برابر اقدام‌های خودسرانه دولتی که فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند و سوم وجود نظام قضایی قابل پیش‌بینی و منصف. در نتیجه، تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها کلیدی برای هدایت صحیح منابع به سرمایه‌گذاری‌های مولد و جلوگیری از اتلاف آن در فعالیت‌های رانت‌جویانه است و ناتوانی یک جامعه در فراهم‌آوردن سازوکارهایی برای تضمین قراردادها به شیوه‌ای کارا و کم هزینه که یکی از مهم‌ترین دلایل توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم است.

مسئولیت‌پذیری با سه زیرمقاله مسئولیت‌پذیری مدیران، نظارت مردم و ایجاد جو مسئولیت‌پذیری فرهنگی به این مطلب اشاره دارد که سازمان‌ها و نهادها باید در خدمت ذینفعان بوده و در قبال وظایف محول‌شده مسئول باشند. بنابراین، باید هر مشکل یا بحران در سطح جامعه را به‌طور موثر کنترل و مدیریت نمایند تا هیچ معضل خاصی بوجود نیاید که فردی خود را در قبال آن مسئول نداند.

شفافیت با دو زیرمقاله مبارزه با فساد و آزادی رسانه‌ها به اتخاذ تصمیم‌ها و اجرای آنها مطابق قوانین و مقررات اشاره دارد و نشان‌دهنده دسترسی آزادانه مردم به اطلاعاتی است که می‌تواند بر زندگی آنها تاثیرگذار باشد. شفافیت به‌طور موثر می‌تواند رفتارهای فردی و جمعی را به سوی اهداف مطلوب اجتماعی هدایت کند و عاملی برای ارتقای استدلال عمومی در جهت ایجاد شواهد و قابلیت پاسخگویی سازمان‌ها در جهت پاسخگویی اقدام‌ها، سیاست‌ها و ورش‌های آن در سازمان باشد. شفافیت اعتماد و رضایت شهروندان را فراهم می‌سازد و در اتحاد ملی می‌تواند راهگشا باشد.

عدالت با دو کد محوری ارائه خدمات برابر و اثربخش و مقابله با تبعیض‌های اجتماعی به توانایی حکومت در ایجاد فرصت‌های برابر و بی‌طرفانه برای شهروندان، استقرار شایسته‌سالاری در انتخاب کارکنان و مدیران اشاره دارد و شاخص‌هایی مانند برابری، شمول و شایسته‌سالاری در زمینه عدالت مطرح می‌باشند. حکومت باید در چارچوب عدالت بتواند از حقوق همه افراد به‌ویژه حقوق محرومان محافظت کند و اجرای این‌گونه قوانین در فضای بی‌طرفانه و مبتنی بر انعطاف نیازمند دستگاه قضایی مستقل و نیروی پلیس بی‌طرف و عاری از فساد است. اینکه تا چه حد میزان قوانین در یک جامعه واقعی هستند و می‌توان به اجرای آنها اطمینان داشت با آن یعنی عدالت ارزیابی می‌شود.

درباره حکمرانی رفاه عمومی پژوهش‌های بسیار اندکی انجام‌شده و پژوهشی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی یا سایر رویکردها درباره آن یافت نشد و همین امر امکان مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر را با سایر پژوهش‌ها دشوار ساخت. بنابراین، به پژوهشگران آتی انجام پژوهش‌های بیشتر درباره حکمرانی رفاه عمومی با توجه به رویکردهای مختلف پیشنهاد می‌شود. از محدودیت‌های مهم دیگر می‌توان به کیفی بودن پژوهش حاضر و نداشتن بخش کمی و طولانی‌شدن فرایند جمع‌آوری داده‌ها و زمان‌بر و پرهزینه بودن آن اشاره کرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران آتی اقدام به ساخت پرسشنامه در زمینه حکمرانی رفاه عمومی کنند و آن را در گروه‌های مختلف اجرا و از نظر آنها وضعیت حکمرانی را بررسی و یا اینکه وضعیت حکمرانی رفاه عمومی را از نظر گروه‌های مختلف مقایسه نمایند. همواره ثابت‌شده که در بسیاری از ویژگی‌ها، متغیرهای جمعیت‌شناختی نقش موثری داشتند و شاید در ادراک حکمرانی رفاه عمومی نیز این متغیرها مانند جنسیت، تحصیلات و غیره موثر باشند. بنابراین، ضروری است تا وضعیت حکمرانی رفاه عمومی از نظر افراد به تفکیک جنسیت، تحصیلات و غیره بررسی و در صورت وجود تفاوت بین نتایج آنها، برنامه‌های متفاوتی برای بهبود حکمرانی رفاه عمومی آنان طراحی و اجرا شود.

نتایج این پژوهش هفت عامل مهم و تعداد زیرمقاله برای حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی شناسایی کرد که این هفت عامل شامل مشارکت، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی، تصویب و حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری، شفافیت و عدالت بودند. طبق نتایج این پژوهش برای حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی می‌توان کدهای شناسایی‌شده (شامل هفت عامل مذکور و زیرمقاله‌های هر یک از آنها) برای آن را از طریق بهبود شرایط و دوره‌های آموزشی متنوع و جذاب ارتقاء بخشید. پیشنهاد کاربردی دیگر به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مجلس شورای اسلامی اینکه هفت عامل مذکور را در طراحی برنامه‌های خود جهت بهبود رفاه عمومی همواره مد نظر داشته باشند و برای میزان تحقق آنها و چگونگی تحقق آنها نشست‌ها و هم‌اندیشی‌های کارشناسانه برگزار نمایند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از شرکت‌کنندگان یا مصاحبه‌شوندگان پژوهش حاضر که به دلیل صبوری در انجام پژوهش و کمک به پژوهشگران در جمع‌آوری اطلاعات تشکر می‌کنند.

References

- Araei V, Ghasemi A, Moeinifar Y. (2018). Policy recommendations about barriers of good governance in public affairs (Case study: Governorate and municipality of Minoodasht). *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 7(25): 113-133.
- Atalla TN, Gasim AA, Hunt LC. (2018). Gasoline demand, pricing policy, and social welfare in Saudi Arabia: A quantitative analysis. *Energy Policy*, 114: 123-133.
- Bracaglia V, D'Alfons T, Nastasi A, Sheng D, Wan Y, Zhang A. (2020). High-speed rail networks, capacity investments and social welfare. *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 132: 308-323.
- Bridges K, Plancher AK, Toledo SD. (2019). Good governance and the influence of the superintendent. *AASA Journal of Scholarship & Practice*, 16(2): 35-42.
- Briec W, Dumas A, Mekki A. (2021). Directional distance functions and social welfare: Some axiomatic and dual properties. *Mathematical Social Sciences*, 113: 181-190.
- Celik F. (2019). Corporate governance and welfare/corporate governance in Turkey. *Procedia Computer Science*, 158: 907-912.
- Emam Jomeezade SJ, Shahramnia AM, Safariyan Garmekhiani R. (2016). Model of good governance, community and government partners to effectively. *Political Science Quarterly*, 12(36): 7-40.
- Fry M, Hilburn A. (2020). The distributional justice of oil industry social development projects and oil field production activities. *The Extractive Industries and Society*, 7(2): 647-659.
- Helliwell JF, Huang H, Grover S, Wang S. (2018). Empirical linkages between good governance and national well-being. *Journal of Comparative Economics*, 46(4): 1332-1346.
- Karimpour SI, Abedini S, Azizkhani E. (2021). The study of the role of quality of good governance in public welfare (Case study: OIC and OECD member countries). *The Journal of Sociology Studies*, 14(51): 27-47.
- Klimach A, Dawidowicz A, Zrobek R. (2018). The Polish land administration system supporting good governance. *Land Use Policy*, 79: 547-555.
- Kum HC, Stewart CJ, Rose RA, Duncan DF. (2015). Using big data for evidence based governance in child welfare. *Children and Youth Services Review*, 58: 127-136.
- McGregor JA, Te Lintelo DJH, Gupte J, et al. (2017). Wellbeing and urban governance: Who fails, survives or thrives in informal settlements in Bangladeshi cities? *Cities*, 72(2): 391-402.
- Maiti D, Mukherjee A. (2013). Governance, foreign direct investment and domestic welfare. *International Review of Economics & Finance*, 27: 406-415.
- Mollick AS, Rahman K, Islam Khan N, Sadath N. (2018). Evaluation of good governance in a participatory forestry program: A case study in Madhupur Sal forests of Bangladesh. *Forest Policy and Economics*, 95: 123-137.
- Mortenson L. (2022). Integrating social justice-oriented content into English for Academic Purposes (EAP) instruction: A case study. *English for Specific Purposes*, 65: 1-14.
- Mosavi Dijijun M, Zahedivafa M. (2018). Presenting and explaining directional pillars of public welfare strategies pattern: A content analysis of Imam Khomeini's thoughts. *Journal of Social & Welfare Planning*, 9(32): 203-235.
- Sepehrinia R, Alborzi M, Kermanshah A, et al. (2019). Creative pattern of transparency with an emphasis on good governance for policy maker organizations in Iran. *Quarterly Journal of Innovation and Creativity in Human Sciences*, 9(2): 77-102.
- Vaghar Mosavi M, Ghods Alavi SA, Abbasi M. (2016). Investigating the role of social entrepreneurship in the development of social justice. *Journal of Entrepreneurship in Agriculture*, 3(2): 59-76.
- Wang X, Wang LFS. (2021). Vertical product differentiation, managerial delegation and social welfare in a vertically-related market. *Mathematical Social Sciences*, 113: 149-159.
- Yeganegi SA, Alvani SM, Memarzadeh Gh. (2016). Ranking indicators of good governance in effective organizations (Case Study: branches of Refah bank in Qazvin province). *Iranian Journal of Public Administration Mission*, 7(21): 1-9.
- Yousaf M, Ihsan F, Ellahi A. (2016). Exploring the impact of good governance on citizens' trust in Pakistan. *Government Information Quarterly*, 33(1): 200-209.

Identifying the Effective Factors of Public Welfare Governance with a Social Justice Development Approach: A Qualitative Research

Hanieh Eskandari¹

Yahya Dadash Karimi^{2*}

Abdullah Hojjati³

Abstract

Purpose: The public welfare governance can improve the quality of life of people in society. As a result, the purpose of this study was identifying the effective factors of public welfare governance with a social justice development approach.

Methodology: The present study in terms of purpose was applied and in terms of implementation method was qualitative. The study population was public welfare governance experts of whole country in 2020 year, which according to the principle of theoretical saturation number of 15 people of them were selected as a sample by purposive sampling method. Data were collected through semi-structured interviews (7 questions) and analyzed by open, axial and selective coding methods in MAXQDA software version 10.

Findings: The findings showed that the public welfare governance with a social justice development approach had 197 open codes in 19 axial codes and 7 elective codes. The selective codes were included participation (with three axial codes of participation in service delivery, participation of public institutions and organizations in governance and participation in policy-making), accountability (with two axial codes of accountability to institutions and oversight), efficiency and effectiveness (with three axial codes of providing employment-generating plans, greater efficiency of services and stability in economy), enactment and rule of law (with four axial codes of adopting the right policies, government and people respect to law, maintaining security and stability in society), responsibility (with three axial codes of managerial responsibility, public oversight and creating an atmosphere of cultural responsibility), transparency (with two axial codes fight against corruption and media freedom) and justice (with two axial codes providing equal and effective services and combating with social discrimination).

Conclusion: According to the results of this study, for public welfare governance with a social justice development approach can be improved the identified codes for it by improving the conditions and educational workshops.

Keywords: Governance, public welfare, social justice development.

¹ PhD Student, Department of Public Administration, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. h.eskandari6152@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Public Administration, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran, (Corresponding Author) dadashkarimi_2006@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Public Administration, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran, hojjatibonabi@gmail.com